

اعترافات آمریکایی‌ها درباره چگونگی نفوذ ویروس استاکس‌نت

جایگزین مذاکره

■ مسعود صفوی



بازار قدس‌آباد تهران در سال ۱۳۰۰

اشاره: ۲ سال مذاکره ظریف و همراهانش با طرف‌های مقابل به متنی رسیده که برجام خوانده می‌شود؛ متنی که نخبران و کارشناسان آن را در دستیابی ایران به حقوقش مبهم و در امتیازات طرف مقابل کاملاً مصرح می‌دانند و معتقدند مبتنی بر آن متن، مشکلات عدیده امنیتی، سیاسی، اقتصادی و علمی برای کشور اتفاق خواهد افتاد. آنچه هدف دولت از ابتدای مذاکرات بیان شده بود، لغو همه تحریم‌های ظالمانه علیه ملت ایران بود اما آیا مذاکره هسته‌ای و دادن امتیازات عدیده تنها راه رسیدن به لغو همه تحریم‌هاست؟! البته اگر همه تحریم‌ها لغو شود- یا راه‌های دیگری هم برای استیفای حقوق ملت ایران وجود دارد؟- راه‌حل جایگزین استیفای حقوق ملت ایران را «دیوید ای سینجر» نویسنده آمریکایی در کتاب جدیدش با عنوان «Confront and Conceal: Obama's Secret Wars and Surprising Use of American Power» یا «جنگ و پنهان کاری: جنگ‌های اوپاما و استفاده حیرت‌انگیز از قدرت آمریکا» ارائه می‌کند که می‌توان مبتنی بر آن نسبت به داد‌گاه‌های بین‌المللی شکایت و حقوق ملت ایران را استیفا کرد. سند مهمی که می‌تواند بار حقوقی داشته باشد و به جای اجرا و تصویب برجام، قابل استناد در مجامع بین‌المللی جهت گرفتن حق و غرامت برای ایران از آمریکا باشد. ما می‌توانیم با استناد به اعترافات مقامات رسمی آمریکا درباره خرابکاری در ایران و در سایت‌های هسته‌ای کشور که در کتاب سینجر مکتوب شده است، هم از آمریکا غرامت بخواهیم و هم رفع تحریم‌ها را طلب کنیم. با استناد به این دلایل می‌توانیم غیرقابل اعتماد بودن آمریکا درباره عمل به برجام را هم ثابت کنیم.

■ نویسنده کیست و حرف‌های او چه اعتباری دارد؟

نویسنده این کتاب به‌عنوان نماینده کاخ سفید در روزنامه «ویوریو کتایمز» کار می‌کند و موظف است با اجازه کاخ سفید و طبق قانون مصوب کاخ سفید و حاکمیت آمریکا اخبار و وقایعی که در کاخ سفید اتفاق می‌افتد را به روزنامه نیویورک تایمز اطلاع دهد و آنها منتشر کنند. سمت رسمی و قانونی او طبق قوانین کشور آمریکا عبارت است از: «رئیس خبرنگاران واشنگتن در روزنامه نیویورک تایمز». به عبارت واضح‌تر او «رئیس جمعی از خبرنگاران است که موظفند اخبار و وقایع کاخ سفید را در این روزنامه منعکس کنند.»

اشاره

سر نوشت مخالفت‌ها با شورای نگهبان

همواره با نزدیک شدن به دوران انتخابات، افراد و گروه‌های منتسب به برخی جریان‌ها سیاسی با آغاز سناریویی نهاد شورای نگهبان را مورد حمله قرار می‌دهند. این گروه بدون توجه به تاریخ درصدد تخلف و زبر سوال بردن اختیارات قانونی شورای نگهبان هستند.

در همین راستا مرکز اسناد انقلاب اسلامی در نظر دارد با توفیق تاریخی به بازخوانی سرنوشت مخالفان شورای نگهبان بپردازد.

■ **سرنوشت مخالفت بنی‌صدر با شورای نگهبان**

پس از اینکه ابوالحسن بنی‌صدر به ریاست‌جمهوری رسید اهدایی را برای تضعیف روحانیت دنبال کرد؛ به‌عنوان مثال با اصل ولایت فقیه به مخالفت برخاست. باید توجه کرد که انتخاب بنی‌صدر به ریاست‌جمهوری بدون دخالت شورای نگهبان صورت گرفت و نهاد‌های نظارتی که در راس آن موسوی‌خوینین‌ها قرار داشت نیز با اهمال نتوانستند مانع از روی کار آمدن بنی‌صدر شوند. این درحالی بود مصومه ابتکار در کتاب «تسخیر» می‌نویسد اسناد فراوانی از همکاری بنی‌صدر با سیا در دست بود. بنی‌صدر که در دوران عدم نظارت شورای نگهبان بر سرکار آمد برای حفظ بقای خود در قدرت به مخالفت با نظارت استصوابی شورای نگهبان برخاست و به صورت کاملاً مفرضانه به شورای نگهبان برجسب جناحی عمل کردن زد و این نهاد را مورد حمله قرار داد و همواره خواستار لغو نظارت استصوابی و کاهش اختیارات شورای نگهبان بود اما تاریخ نشان می‌دهد شورای نگهبان همواره به صورت فراجناحی عمل کرده و در قید و بند دست‌بندی‌های سیاسی قرار نگرفته است. باید توجه داشت که دشمنی بنی‌صدر با شورای نگهبان و نظرات علما، ریشه در باورهای غربی و تفکر سئوکولار وی هم داشت، لذا همسو با غرب به تخریب آرمان‌های انقلاب اسلامی همت گماشت. به تبع آن جریان‌هایی که خود را روشنفکر متجدد و ملی‌گرا می‌نامیدند در تعامل با غرب قرار گرفته و توان خود را در اختیار آنان گذاشتند. خصومت ذاتی بنی‌صدر با شورای نگهبان و روحانیت، چالشی بود که موجب شد او به ورطه سقوط کشیده شود. علاوه بر توطئه علیه شورای نگهبان، بنی‌صدر با ارائه پیشنهاد فراندوم، مخالفت خود با قانون اساسی را نیز آشکارا نشان داد. این درخواست با واکنش امام(ره) مواجه شد و زمینه‌های عزل بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا و سپس پست ریاست‌جمهوری را فراهم کرد. در نهایت نتایج‌های که از مخالفت با روحانیت و شورای نگهبان نصیب بنی‌صدر شد، رسوایی و فرار از کشور در جامه زنانه بود.

■ **مخالفت با شورای نگهبان پس از رحلت امام(ره)**

با رحلت بنیانگذار نظام مقدس جمهوری اسلامی، مخالفت با شورای نگهبان همچنان از سوی برخی گروه‌ها پیگیری شد. این جریان درصدد برآمد افکار عمومی را نسبت به شورای نگهبان بدبین کرده و ذهن نمایندگان را برای حذف نظارت استصوابی آماده کند. موضع منتقدان در این زمینه، محدود شدن نظارت شورای نگهبان به نظرات اطلاعاتی است؛ یعنی دولت به‌عنوان مجری انتخابات بر مبنای قوانین مربوطه عمل کند و مراتب را به این شورا اطلاع دهد.

■ **هجمه محتشمی‌پور به شورای نگهبان در سال ۶۹**

مخالفت با وظیفه قانونی شورای نگهبان در شش‌اقلی که هنوز دومین سالگرد ارتحال امام خمینی(ره) فرا نرسیده بود نمونه‌ای از تضعیف آرمان‌های انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. در این زمان، علی‌اکبر محتشمی‌پور، صاحب امتیاز ماهنامه «بیان» در شماره‌های ۵ و ۶ این ماهنامه که در مهر و آبان ۱۳۶۹ منتشر شد به نظرات استصوابی شورای نگهبان بر انتخابات حمله کرد. نکته مهم این است که بازگویی چنین مطالبی در آن دوران نه‌تنها کمکی به نظام جمهوری اسلامی نمی‌کرد بلکه جو سیاسی کشور را ملتهب می‌کرد و فرصتی به نیروهای محارب انقلاب و دشمنان خارجی می‌داد تا با تضعیف روحانیت به اهداف خود جمله عمل پوشانده و خود را در مصدر امور قرار دهند؛ دقیقاً همان بلائی که پس از مشروطه بر سر کشور آمد و زمینه استیلاي استعمار و استبداد را در ایران فراهم کرد.

■ **تلاش جبهه‌ملی برای مقابله با شورای نگهبان**

در همین راستا شورای مرکزی جبهه ملی نیز با انتشار بیانیه‌ای در اسفند ۱۳۳۶ جنجال علیه شورای نگهبان را در دستور کار خود قرار داد و نظارت قانونی این نهاد بر انتخابات را مورد انتقاد قرار داد و خواستار نظارت دولت بر انتخابات شد. این پیشنهاد از آنجا که اجرا و نظارت را برعهده دولت می‌گذاشت دارای ضعف آشکار بود و زود القون را باعث می‌شد. جبهه ملی نیز که پیش‌تر توسط امام محکوم به ارتداد شده بود، برای بار چندم از سوی جامعه طرد شد.

داشتند، می‌پرسد که مصاحبه‌شونده می‌گوید: «The details of "Olympic Games" were known only by an extremely tight group of top intelligence, military, and White House officials. تنها مقامات بلندپایه کاخ سفید و مقامات اطلاعاتی آمریکا و اسرائیل از جزئیات عملیات بازی المپیک خبر داشتند و هیچ‌کس دیگری اطلاع نداشت. (ماموریت محرمانه بوده است، صفحه ۱۹۰، فصل هشتم)

در همان صفحه همچنین وقتی از هدف‌های این عملیات پرسیده می‌شود، این مامور می‌گوید: «The intent of the operation was twofold. The first was to cripple, at least for a while, Iran's nuclear progress. The second, equally vital, was to convince the Israelis that there was a smarter, more elegant way to deal with the Iranian nuclear problem than launching an airstrike that could quickly escalate into another Middle East war.»

«این عملیات ۲ هدف داشت؛ یک، فلج کردن برنامه هسته‌ای ایران و ۲، هدف مهم‌تری بود؛ اینکه اسرائیل را به سر هوش آورد جهت اینکه در برخورد با مساله هسته‌ای ایران زیر‌کانه‌تر عمل کند؛ با توجه به وضعیت منطقه خاورمیانه...»

این کتاب همچنین تفاوت نوع مواجهه اسرائیل و آمریکا را که در نهایت یک هدف را دنبال می‌کنند؛ بازگو می‌کند. این مامور سیا می‌گوید: «We told the Israelis that if you bomb Natanz, it will take the Iranians two years to replace it but they will do so deep underground; you won't be able to get it the next time, and you'll make them want the bomb even more. But if you do it this way, they won't see it, and the longer we can go before you have to bomb it».

«ما به اسرائیل گفتیم تو اگر نظنز را بمب بزنی، این کار باعث می‌شود ایران ۲ سال برنامه‌اش به تأخیر بیفتد و آنها در اعماق زمین بیشتر نفوذ می‌کنند و تو (اسرائیل) دیگر نمی‌توانی برنامه آنها را ببینی زیرا آنها مخفی‌تر عمل می‌کنند و تو باعث می‌شوی آنها بمبی را که می‌خواهند بسازند اما اگر تو به روش ما عمل کنی آنها این روش را نمی‌بینند و ما به برنامه آنها نمی‌رسیم و نیازی نیست تو بمبی بزنی.»

این کتاب به این نکته اشاره می‌کند که اصل جنگ سایبری علیه ایران به اواسط سال ۲۰۰۶ و زمان ریاست‌جمهوری جورج بوش بازمی‌گردد. مبتنی بر مکتوبات دیوید سینجر، جورج بوش به کاندولیزا رایس شکایت می‌کند که در برخورد با برنامه هسته‌ای ایران من همیشه ۲ راه‌حل می‌بینم: یا اجازه بدهم آنها صاحب بمب اتم شوند یا با آنها بجنگم اما من راه‌حل سومی می‌خواهم و شما باید آن راه را پیدا کنید. و راه‌حل کاندولیزا رایس و سازمان سیا برای جلوگیری از فعالیت هسته‌ای ایران حمله سایبری به سایت‌های هسته‌ای کشورمان بود. آنها می‌گویند اگر در پروسه مذاکرات مقداری زمان خریداری شود و تلاش شود مواضع تند اسرائیل در برابر ایران کمتر شود در یک برنامه درازمدت سایبری سانتریفیو‌های ایران را از کار خواهیم انداخت و از همان زمان پروژه بازی المپیک شروع می‌شود. این پروژه که برای اولین بار طراحی شده بود درباره فعالیت‌های سایت هسته‌ای نظنز آزمایش شد و توانست فعالیت یکپهزار سانتریفیو‌های ایرانی را مختل کند. کتاب همچنین درباره چگونگی ساخت، ارسال و مدیریت استاکس‌نت تا رسیدن به ایران نیز توضیحاتی دارد.

■ **نتیجه‌گیری**

دولت تمام تلاشش را مبنی بر بدبهستان در پای میز مذاکره انجام داد اما هیچ‌گاه به این فکر نکرد که به موازات مذاکرات می‌تواند شکایت‌های حقوقی از این دست را پیگیری کند بویژه زمانی که سندهای حقوقی نیز درباره آن پیدا شده است. این رفتار را می‌شود در قیاس با رفتار دشمن قرار داد؛ زمانی که احمد شهید، دیده‌بان حقوق بشر آمریکایی گزارش حقوقی علیه وضعیت حقوق بشر در کشور را ارائه و فشار را از ناحیه دیگر بر کشور وارد می‌کند. معاونت حقوقی وزارت امور خارجه نیز می‌تواند از این اسناد جهت طرح دعوی در مجامع بین‌المللی استفاده کند.

کرد و آن را مسؤؤل حمله ویروس استاکس‌نت به سیستم‌های کنترلی دانست که در راه‌اندازی سیستم‌های پیچیده معروف به «اسکادا» مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در ادامه این مطلب آمده است: سال ۲۰۰۸ واشنگتن محموله‌های سیستم‌های کنترلی را که از طریق این شرکت از خارج وارد شده بود، هدف قرار داد.

«مک‌براید» در گفت‌وگو با روزنامه کریستین ساینس‌مانیتور آمریکا نیز گفت همه مدارک نشان می‌دهد واشنگتن از طریق شرکت «NEDA» سیستم‌های کنترلی ساخت شرکت زمینس را که در نظنز مورد استفاده قرار می‌گرفت، هدف قرار داد چرا که این شرکت همه اطلاعات لازم را درباره ساختار سیستم‌های کامپیوتری نظنز، سرعت مناسب راه‌اندازی سانتریفیو‌ها و اینکه چه زمانی به کار می‌افتد و خاموش می‌شوند، در اختیار داشت. این شرکت همچنین همه اطلاعات ضروری را که واشنگتن برای برنامه ویروس‌اش به آن نیاز داشت در روسیه نیز در این باره آورده بود، آمده است: «این ویروس که «تلاش مشترک آمریکا و اسرائیل» است، برای رسیدن به هدف اصلی خود ابتدا در ۵ شرکت صنعتی- نفتی نفوذ کرده بود.

در مطلب شرکت «کاسپرسکی» که پایگاه هندی «EET INDIA» آن را منتشر کرده نام این ۵ شرکت به‌عنوان اولین هدف و مقصد ویروس استاکس‌نت آمده است؛ شرکت‌هایی که به منظور مأموریت نهایی و اصلی این ویروس یعنی «تاسیس‌ات غنی‌سازی نظنز» انتخاب شدند؛ «فتی- مهندسی فولاد»، «به‌پژوه» (مستقر در اصفهان و تولیدکننده سیستم‌های خودکار صنعتی)، «گروه صنعتی ندا» (تامین‌کننده خدمات مابسی‌آباد از آن صنعتی برای نیروگاه‌های نفتی، گازی و پتروشیمی که در لیست تحریم‌های آمریکا هم قرار دارد)، شرکت کنترل گستر جاهد (فعال در زمینه نفت و انرژی) و شرکت کالا الکترونیک. در این گزارش بدون اشاره به اینکه عامل یا عاملان دقیقاً چه کشورهایی بوده‌اند، آمده است طراحان این ویروس با استفاده از نفوذ در شرکت‌های یادشده سرانجام راه خود را برای نفوذ به تاسیسات نظنز هموار کردند. السفير اما می‌گوید: در این میان نقش واشنگتن و تل‌آویو در تولید این ویروس که به نزدیک به یک‌هزار دستگاه سانتریفیو آسیب وارد کرد، بر کسی پوشیده نیست؛ اما چگونه این ویروس به نظنز رسید؟

باید گفت براساس گزارش موسسه تخصصی امور امنیت‌اطلاعات آمریکا «Critical Intelligence» همچنین اسناد به دست آمده از وزارت خارجه این کشور و دیگر گزارشات، واشنگتن توانسته است فعالیت‌های شرکت «NEDA» را رصد کند.

به نوشته السفير، «شان مک‌براید» رئیس بخش تحلیل‌های این موسسه که خود مسؤوّلیت تهیه این گزارش را برعهده داشته است، گفت اسناد نشان می‌دهد واشنگتن تلاش‌های این شرکت (NEDA) را برای خرید دستگاه‌ها رصد می‌کرد. واشنگتن این شرکت را یکی از شرکت‌های خیره‌ورز و توانمند در برنامه‌های اطلاعاتی وابسته به شرکت آلمانی «پمسن» می‌دانست و این در حالی بود که «غلامرضا جلالی» رئیس سازمان پدافند غیرعامل ایران در آن زمان شرکت آلمانی زمینس را به کمک به واشنگتن و تل‌آویو در انجام این حمله اینترنتی به تاسیسات هسته‌ای ایران متهم

درباره ویروس استاکس‌نت: چگونه این ویروس به نظنز رسید؟» آورده است: ویروس استاکس‌نت که سال ۲۰۱۰ برنامه‌های اطلاعاتی تهران را هدف قرار داده بود، به معنایی شگفت‌انگیز تبدیل شده است؛ اینکه چگونه این ویروس توانسته است تنها به بیش از ۳۰ هزار سیستم کامپیوتری در ایران نفوذ کند و مشخصاً اینکه چگونه توانسته است به تاسیسات هسته‌ای نظنز راه پیدا کند.

در ایین مطلب آمده است: صرف‌نظر از اینکه بررسی موقت و با دلیل و مدرک این مساله در کنفرانس امنیتی در سانفرانسیسکو مورد بررسی قرار گرفت، نتایجی حاصل شده مبنی بر اینکه کلید این معما در روند واردات سیستم‌های کنترلی است که ادعا شده از سوی شرکت ایرانی «NEDA» صورت می‌گیرد چرا که این شرکت مسؤوّل نظارت بر سیستم‌های کنترل کامپیوترها نام یک شرکت به این مساله ارتباط پیدا می‌کند. در گزارشی که «کاسپرسکی» شرکت امنیت رایانه‌ای

در روسیه نیز در این باره آورده بود، آمده است: «این ویروس که «تلاش مشترک آمریکا و اسرائیل» است، برای رسیدن به هدف اصلی خود ابتدا در ۵ شرکت صنعتی- نفتی نفوذ کرده بود. در مطلب شرکت «کاسپرسکی» که پایگاه هندی «EET INDIA» آن را منتشر کرده نام این ۵ شرکت به‌عنوان اولین هدف و مقصد ویروس استاکس‌نت آمده است؛ شرکت‌هایی که به منظور مأموریت نهایی و اصلی این ویروس یعنی «تاسیس‌ات غنی‌سازی نظنز» انتخاب شدند؛ «فتی- مهندسی فولاد»، «به‌پژوه» (مستقر در اصفهان و تولیدکننده سیستم‌های خودکار صنعتی)، «گروه صنعتی ندا» (تامین‌کننده خدمات مابسی‌آباد از آن صنعتی برای نیروگاه‌های نفتی، گازی و پتروشیمی که در لیست تحریم‌های آمریکا هم قرار دارد)، شرکت کنترل گستر جاهد (فعال در زمینه نفت و انرژی) و شرکت کالا الکترونیک. در این گزارش بدون اشاره به اینکه عامل یا عاملان دقیقاً چه کشورهایی بوده‌اند، آمده است طراحان این ویروس با استفاده از نفوذ در شرکت‌های یادشده سرانجام راه خود را برای نفوذ به تاسیسات نظنز هموار کردند. السفير اما می‌گوید: در این میان نقش واشنگتن و تل‌آویو در تولید این ویروس که به نزدیک به یک‌هزار دستگاه سانتریفیو آسیب وارد کرد، بر کسی پوشیده نیست؛ اما چگونه این ویروس به نظنز رسید؟

باید گفت براساس گزارش موسسه تخصصی امور امنیت‌اطلاعات آمریکا «Critical Intelligence» همچنین اسناد به دست آمده از وزارت خارجه این کشور و دیگر گزارشات، واشنگتن توانسته است فعالیت‌های شرکت «NEDA» را رصد کند.

به نوشته السفير، «شان مک‌براید» رئیس بخش تحلیل‌های این موسسه که خود مسؤوّلیت تهیه این گزارش را برعهده داشته است، گفت اسناد نشان می‌دهد واشنگتن تلاش‌های این شرکت (NEDA) را برای خرید دستگاه‌ها رصد می‌کرد. واشنگتن این شرکت را یکی از شرکت‌های خیره‌ورز و توانمند در برنامه‌های اطلاعاتی وابسته به شرکت آلمانی «پمسن» می‌دانست و این در حالی بود که «غلامرضا جلالی» رئیس سازمان پدافند غیرعامل ایران در آن زمان شرکت آلمانی زمینس را به کمک به واشنگتن و تل‌آویو در انجام این حمله اینترنتی به تاسیسات هسته‌ای ایران متهم

درباره چگونگی نفوذ ویروس استاکس‌نت در سایت هسته‌ای نظنز مفصل شرح داده شده است. اعترافی که به لحاظ حقوقی ایران و وزارت امور خارجه می‌تواند کاملاً برجام را کنار بگذارد و از آمریکا غرامت و رفع تحریم‌ها را مطالبه کند.

■ **فرضیه‌هایی که با نوشن این کتاب تأیید شد**

سال ۲۰۱۰ میلادی و در اوج مذاکرات هسته‌ای خبر ورود یک ویروس نفوذی در سیستم‌های کامپیوتر ۳۰ هزار کاربر از جمله سایت نظنز منتشر شد. این ویروس به‌گونه‌ای طراحی شده که با ورود به تجهیزات هسته‌ای ایران، کنترل سانتریفیو‌های ایرانی را به دست آورده و اینگونه کار می‌کند که به صورت ناگهانی در وضعیت چرخش‌های دورانی سانتریفیو‌ها، اختلال پدید می‌آورد، به‌گونه‌ای که گاه سانتریفیو‌ها با سرعتی بیش از سرعت معمول پرداخت. اکسون این ویروس به صورت یک منبع آشکار در اینترنت و در اختیار عموم قرار گرفته است و هر کسی خواهد می‌تواند از آن استفاده کند. این فیلم این ویروس را تهدیدی برای اقتصاد جهانی اعلام کرده و بیان می‌دارد حال این نگرانی وجود دارد که چه کسی در آینده با بازسازی این ویروس از آن استفاده خواهد کرد. این ویروس که توسط آمریکا و اسرائیل طراحی شده بود، برای اولین بار علیه تاسیسات هسته‌ای ایران به کار گرفته شد و به ادعای غربی‌ها تا حدودی توانست به سازوکارهای هسته‌ای ایران آسیب وارد کند و یک حمله و جنگ سایبری آمریکا و اسرائیل علیه ایران را به ثبت برساند.

در روزهای ابتدایی کشف استاکس‌نت، فرضیه‌های مختلفی درباره سازنده و توزیع‌کننده آن منتشر می‌شد. اخیراً روزنامه «السفیر» در مطلبی با عنوان «فرضیه جدید